

رسول رنجبریان  
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد شاهی دژ

## ارتباط بین اشتغال زایی، خصوصی سازی و کار آفرینی

کارآفرینان از عوامل ضروری تغییر در یک اقتصاد مبتنی بر بازارند. آنها امکان استفاده موثر و فزاینده از منابع را فراهم می آورند و داد و ستد بین بخش های مختلف با امکانات و اولویت های متفاوت را تسهیل می سازند. همچنین رفتار کارآفرینانه، عامل شتاب دهنده تولید، انتشار و کاربرد ایده های نوآورانه است و در جوامع دستخوش تغییرات سریع اقتصادی نیز، کارآفرینی تأثیرات زیانبار اجتماعی را از طریق ایجاد فرصتهای شغلی تعدیل می بخشد. به طور کلی کارکرد کارآفرینانه هم بر نرخ رشد بنگاههای جدید تأثیر دارد و هم شانس بقا و رشد بنگاههای موجود را افزایش می دهد. با توجه به این که کارآفرینی و اشتغال در روند رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها نقش و تأثیر به سزایی دارد، دولت ها برای آموزش کارآفرینی به نیروی انسانی در جامعه تلاش های قابل توجهی از خود نشان می دهند. به خصوص در سال های اخیر در کشور عزیزمان ایران نیز بسیاری از دانشگاه ها با ایجاد مراکز کارآفرینی و توسعه ی آموزش کارآفرینی به دانشجویان و برگزاری دوره های مختلف آموزشی کوشش فراوانی نموده اند. در این مقاله به اشتغال از طریق کارآفرینی و تأثیر خصوصی بر کارآفرینی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

### واژگان کلیدی: خصوصی سازی - اشتغال - کارآفرینی

#### مقدمه

خصوصی سازی نه تنها شامل حاکمیت عوامل اقتصادی در تصمیمات مدیریت دولتی است، بلکه شامل فعالیت هایی است که معمولاً توسط بخش دولتی و به صورت غیر انتفاعی انجام می شود. امروزه برای دستیابی به ثروت و رفاه و اشتغال، پرداختن به توسعه کارآفرینی امری اجتناب ناپذیر از سوی دولتها محسوب می شود. در جهان در حال تغییر و تحول و پیشرفت امروزی، کشورها و سازمان هایی موفق هستند که بتوانند بین منابع کمیاب و سرمایه های موجود و امکانات در دسترس با قابلیت های مدیریت و کارآفرینی منابع انسانی خود رابطه معنی داری برقرار نمایند.

کارآفرینی به عنوان یک پدیده نوین در اقتصاد نقش مؤثری را در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها یافته است. کارآفرینی در اقتصاد رقابتی و مبتنی بر بازار امروزه دارای نقش کلیدی است. به عبارت دیگر در یک اقتصاد پویا، ایده ها، محصولات و خدمات همواره در حال تغییر می باشند و در این میان کارآفرین است که الگویی برای مقابله و سازگاری با شرایط جدید را به ارمغان می آورد. از این رو در یک گستره وسیع تمام عناصر فعال در صحنه اقتصاد (مصرف کنندگان، تولید کنندگان، سرمایه گذاران) باید به کارآفرینی بپردازند و به سهم خود کارآفرین باشند. کارآفرینی فرآیندی است که با نگاه فرصت گرایانه کارآفرین، آغاز می شود و نتیجه آن تولید محصولات و ارائه خدمات و اشتغال و رفاه عمومی جامعه و در نهایت این که از هیچ چیز به همه چیز رسیدن است. برای این که یک جامعه را به سطح بالایی از میزان کارآفرینی بالا برد، لازم است آموزش های لازم را برای افراد آن جامعه تدارک دید و آگاهی ها و توانایی های آنان را به منظور بالا بردن کارآفرینی تقویت و افزایش داد. به این ترتیب در جامعه واحدهای کسب و کار توسعه پیدا خواهد کرد و این

از جمله توسعه کارآفرینی با توجه به تجربیات دیگر کشورها می باشد و با توجه به تحولات ساختاری مورد نیاز کشورمان ضرورت توجه به بحث کارآفرینی بیش از پیش آشکار می گردد؛ زیرا تولید ملی و کارآفرینی تنها راه نجات کشور در عرصه های خرد و کلان اقتصادی خواهد بود (رنجبریان، ۱۳۹۱، ۸).

کارآفرینی علاوه بر نوآوری در محصولات جدید، حل نیازهای اجتماعی، ایجاد اشتغال، افزایش سودآوری شرکت ها و افراد و توسعه تکنولوژی را به دنبال دارد. ضمن این که جهانی شدن، کاهش موانع تجاری و پیشرفت های تکنولوژیک، فرصت های زیادی را فراهم ساخته و به این ترتیب کارآفرینی و رفتار کارآفرینانه دامنه گسترده ای یافته و به طور غیر قابل انکار، دنیای کسب و کار را تحت تأثیر قرار داده است. ارتقاء و گسترش مهارت ها و آموزش های کارآفرینی منجر به افزایش توانایی منابع انسانی در زمینه ها خلق ایده ها و انجام تحقیقات کاربردی ایده ها خواهد شد (هارپر، ۱۳۸۷).

سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ۵ بند تدوین شده است، مطابق بند «الف» حوزه فعالیت دولت تشریح، و دولت از هرگونه فعالیت در خارج از آن حوزه منع شده است. در بند «ب» برای دولت دو شریک جدی و قدرتمند (بخش خصوصی و تعاونی) تعریف شده است. براساس بند «ج» دولت موظف به خصوصی سازی گردیده است. دو بند «د» و «ه» نیز به ترتیب سیاست های کلی واگذاری و سیاست های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از اعضای ابلاغ و بر آنها تأکید شده است (حسینی و شفیعی، ۱۳۸۷، ۲۳۷).

### نقش بخش خصوصی در کارآفرینی و اشتغال

«امروزه یکی از مهمترین راه هایی که می تواند رقابت قرن بیست و یکم را تحت تأثیر قرار دهد، موضوع «خصوصی سازی» است. شرکت هایی که به تازگی خصوصی شده اند، می دانند که به تنهایی قادر به ادامه راه نیستند، این شرکت ها برای دستیابی به سرمایه، فناوری های نوین، مهارت های مدیریتی و قابلیت های نوآوری در بازاریابی، نیازمند نفوذ در جمع شرکت هایی هستند که خارج از حوزه بازارهای داخلی آنها قرار دارند. این پیوندها، علاوه بر افزایش قوای تشدید کننده رقابت، شرکت های خصوصی شده را وادار به بازسازی توانایی ها و تبیین شایستگی های درونی شان می کند. دستیابی به این توانایی ها، می تواند نوآوری در آینده را تحریک کرده و ریسک پذیری فعال و کارآفرین را افزایش دهد» (طاهری گودرزی و حسینی، ۱۳۸۰، ۲۴).

مفهوم خصوصی سازی بر وجود دو حوزه خصوصی و عمومی دلالت دارد که معنای آن تحول و نقل و انتقال دارایی ها، تصدی ها و مدیریت ها بین این دو عرصه است.

واژه «خصوصی سازی» واژه ای است که از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ با روی کار آمدن دولت های محافظه کار در انگلیس،

امر جزء از طریق توجه به نظام آموزشی در کشور امکان پذیر نخواهد شد. امروزه تقریباً در تمام مقاطع تحصیلی همه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه آموزش و ترویج کارآفرینی از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد (احمدپور داریانی و عزیزی، ۱۳۸۶، ۹).

کارآفرینی و کارآفرینان منشأ آثار ارزشمندی هستند که در زیر به آنها اشاره می شود:

- ۱- ایجاد اشتغال، رابطه تنگاتنگ کارآفرین و اشتغال به گونه ای است که محققان بر این باورند و تجارب کشورهای مختلف نیز آن را تأیید می کند که هر گاه فعالیت های کارآفرینی در یک جامعه کند و آهسته شود نرخ بیکاری آن جامعه فزونی خواهد یافت.
- ۲- کارآفرینی موجب توزیع متناسب درآمدها و کاهش اضطراب های اجتماعی می شوند.
- ۳- کارآفرینی موجب بهره برداری از منابع و فعال شدن آنها برای توسعه ی کشور می شود.
- ۴- بهبود کیفیت زندگی، کشف نیازها، ابداع و توسعه کالاها و ایجاد خدمات جدید از جمله ویژگی های کارآفرینان است.

### تعاریف کارآفرینی

تعاریف مختلفی از کارآفرینی ارائه شده است، اما هنوز یک تعریف عام، جامع و پذیرفته شده از آن وجود ندارد، در زیر به چندین تعریف از دیدگاه های مختلف از کارآفرینی اشاره می گردد:

«کارآفرینی، فرآیند خلق چیزی متفاوت و با ارزش از طریق اختصاص زمان و تلاش لازم برای آن است؛ با فرض همراه بودن ریسک های مالی، روانی و اجتماعی و نیز دریافت پاداش های مالی و رضایت فردی» (احمدی و درویش، ۱۳۸۷، ۴)

کارآفرینی فرآیندی است که منجر به ایجاد رضایتمندی و یا تقاضای جدید می شود. کارآفرینی عبارت است از فرآیند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه ی منحصر به فردی از منابع، به منظور بهره گیری از فرصت ها (سعیدی کیا، ۱۳۸۶، ۲۳).

کارآفرینی اراده عملی کردن فرصت و موقعیتی است، بدون آن که از همان ابتدا امکانات این کار موجود باشد.

اکثر تعاریف بر نکات زیر تأکید دارند:

- ابتکار عمل؛
- تبدیل منابع و شرایط به امکانات عملی و عینی؛
- پذیرش ریسک و شکست (اسدی، ۱۳۸۳، ۳۶).

### اهمیت کارآفرینی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

از آنجایی که در کشورمان، در راستای اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با هدف تحول در ساختار اقتصادی، توسعه فعالیت های بخش خصوصی را به عنوان راهکار تبدیل اقتصاد کنونی به یک اقتصاد پویا، توسعه ای و رقابتی با کاهش تصدی گری دولت به دنبال خواهد داشت و این مسئله سبب بروز چالش هایی خواهد بود که پاسخگویی به آنها مستلزم به کارگیری راهبردها و رویکردهای مناسب

آمریکا و فرانسه از رواج گسترده ای در عرصه سیاست برخوردار شد. و این واژه که از سال ۱۹۸۳ میلادی در ادبیات اقتصادی ظاهر شده است ریشه در تئوری های اقتصاد بازار آزاد دارد. به طوری که هم اکنون در کشور ما نیز موضوع خصوصی سازی از جمله مباحث عمده عرصه سیاست تلقی می شود.

اگر چه گفته می شود که تعریف واژه «خصوصی سازی» کار بسیار مشکلی است اما در هر حال دو معنای محدود و گسترده برای این واژه وجود دارد. خصوصی سازی در معنای محدود خود عبارت است از واگذاری دارایی ها و شرکت های دولتی و عمومی به بخش خصوصی به طور کلی و یا شریک کردن آنها در این دارایی ها و شرکت.

در تعریف کلی، «خصوصی کردن فعالیت های اقتصادی عبارت است از تبدیل یا انتقال این فعالیت ها از بخش عمومی به بخش خصوصی، ضمن آن که این انتقال در واقع یک فرآیند در رشد اقتصادی کشورها محسوب می شود. زیرا دستیابی به افزایش کارایی و بهره وری بیشتر فعالیت ها، استفاده بهینه منابع موجود در اقتصاد است» (نجفی و سعیدی، ۱۳۸۸، ۷۶).

معنای خصوصی سازی در مفهوم گسترده آن بسیار وسیع تر از واگذاری دارایی ها و شرکت های دولتی و عمومی به بخش خصوصی است و بر واگذاری فعالیت ها و تصدی گریهایی که قبلاً به طور انحصاری در اختیار دولت و بخش عمومی بود دلالت می کند. به عبارت دیگر معنای واژه خصوصی سازی در طیفی قرار دارد که هدف آن اجرای شیوه ها و سیاست هایی برای افزایش نقش نیروهای بازار آزاد در اقتصاد ملی کشورها از طریق ترتیبات مختلف می باشد.

«از جمله مهم ترین اهداف و دلایل عمده روی آوردن دولت ها به خصوصی سازی و واگذاری فعالیت ها از بخش عمومی به بخش غیر دولتی عبارتند از افزایش درآمدهای دولت، بالا بردن کارایی اقتصادی، کاهش دخالت دولت در اقتصاد، افزایش مالکیت سهام و فراهم آوردن زمینه رقابت و توسعه بازار سرمایه در کشور. در کشورهای توسعه

یافته هدف های خصوصی سازی به افزایش کارایی کسب درآمد و کاهش بار مالی دولت محدود می شود در حالی که در کشورهای در حال توسعه اهداف، گستره وسیع تری را در بر می گیرد» (نجفی و سعیدی، ۱۳۸۸، ۷۶).

همان طوری که در بالا اشاره شد بخش خصوصی می تواند در ایجاد اشتغال زمینه خوبی باشد چرا که انگیزه سرمایه گذاری در این بخش بیشتر است و توجه به خصوصی سازی می تواند در جامعه منجر به کارآفرینی و توسعه آن گردد. در کشور ما نیز توجه به بخش خصوصی در سالهای اخیر بیش از پیش بوده و دولت در این راستا عزم خود جزم کرده و نسبت به واگذاری بخشهای از سهام دولت به بخش خصوصی، اقدامات خوبی انجام داده است و در اقتصاد جامعه نیز، تحرک خوبی انجام پذیرفته است.

کارآفرینان از عوامل ضروری تغییر در یک اقتصاد مبتنی بر بازارند. آنها امکان استفاده موثر و فزاینده از منابع را فراهم می آورند و داد و ستد بین بخش های مختلف با امکانات و اولویت های متفاوت را تسهیل می سازند. همچنین رفتار کارآفرینانه، عامل شتاب دهنده تولید، انتشار و کاربرد ایده های نوآورانه است و در جوامع دستخوش تغییرات سریع اقتصادی نیز، کارآفرینی تأثیرات زیانبار اجتماعی را از طریق ایجاد فرصتهای شغلی تعدیل می بخشد. به طور کلی کارکرد کارآفرینانه هم بر نرخ رشد بنگاههای جدید تأثیر دارد و هم شانس بقا و رشد بنگاههای موجود را افزایش می دهد (خانی جزنی، ۱۳۸۷، ۱۴۳).

اشتغال در کشورهای در حال توسعه و پرجمعیت از جمله مسائل مهم و اساسی می باشد که تمام جوانب و ارکان جامعه را تحت پوشش قرار می دهد. تفکر و تعقل در این مقوله و انجام تحقیقات و پژوهش منجر به ارائه راه کارهای اجرایی برای مقابله با این معضل می گردد. کارآفرینان و دانش آموختگان بخش مهمی از بیکاران را شامل می شوند که بعضاً فاقد امکانات و سرمایه کافی برای تحمل ریسک دوران ابتدائی ایجاد اشتغال و خود اشتغالی می باشد. بحث مراکز

رشد در دو سه دهه گذشته در کشورهای مختلف از چند زاویه مورد بحث قرار گرفته است. یکی از دیدگاههای توسعه و سرعت بخشی به نوآوری بوده است که منجر به ایجاد یک مجموعه از شرکتهای کوچک و متوسط شده است. شرکتهای کوچک و متوسط مبتنی بر فناوری هستند و این زمینه ای برای کار آفرینی ایجاد کرده و در کنار آن اشتغال نیز به وجود آمده است (رحمانی، ۱۳۸۵، ۴۱). معمولاً واژه کارآفرینی با ایجاد شغل و کسب و کار مترادف شده است. در حالی که اشتغال یکی از دستاوردهای کارآفرینی محسوب می شود. ممکن است فعالیت های کارآفرینانه اشتغال ایجاد نکند اما تولید ثروت کند و یا به دانایی بیفزاید.

کارآفرینان در ایجاد اشتغال نیز نقش مهمی ایفا می نمایند. در حدود نیمی از کارکنان کشورهای توسعه یافته در کسب و کارهای کوچک مشغول فعالیت هستند. بیشتر مشاغل جدید را کسب و کارهای کوچک ایجاد می کنند و سهم این کسب و کارها در بازار کار در حال افزایش است. از سال ۱۹۸۰ تاکنون کسب و کارهای کوچک در اقتصاد آمریکا بیش از ۳۴ میلیون شغل ایجاد کرده اند. حال آن که تعداد کارکنان شرکتهای بزرگ در این کشورها کاسته شده است (احمدی مقیم، ۱۳۸۷، ۱۲).

رابطه تنگاتنگ کارآفرینی و اشتغال به گونه ای است که محققان بر این باورند و تجارب کشورهای مختلف نیز آن را تأیید می کند که هر گاه فعالیت های کارآفرینی در یک جامعه کند و آهسته شود، نرخ بیکاری آن جامعه فزونی خواهد یافت (حسن مرادی، ۱۳۸۵، ۲۸).

### توجه به کار آفرینی (کسب و کار اقتصادی) از بعد بخش خصوصی

در این مرحله، فرد با آرزوایی مشاغل متناسب با خواسته های خود و خانواده، به خلق ایده در زمینه کار و فعالیت می پردازد؛ چارچوب فکری خود را در قالب طرح کسب و کار به جامعه عرضه می کند؛ سپس، با مدیریت خود فعالیت

اقتصادی را آغاز می‌کند. در این مرحله، والدین با استفاده از تجارب خود می‌توانند فرزندشان را جهت اداره کسب و کار یاری کنند. هر چند ممکن است این نیاز صرفاً متوجه حمایت‌های مالی آنها نباشد. با ادامه حمایت خانواده و تقویت روحیه کارآفرینی در فرزندان به منظور راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار اقتصادی توسط آنان، نتایج ذیل متوجه جامعه خواهد شد:

- ایجاد و توسعه اشتغال در بخش‌های اقتصادی کشور و به تبع آن استقلال اقتصادی خانواده‌ها؛
- دگرگونی در روند تولید با استفاده از تکنولوژی پیشرفته و به دنبال آن تغییر در فرهنگ مصرف؛
- تنوع شغلی و ایجاد رقابت گسترده در بازارهای اقتصادی؛
- بسط و توسعه صادرات با اتکاء به منابع موجود در کشور؛
- کاهش نرخ بیکاری و تورم و به دنبال آن کاهش آسیب‌های اجتماعی در جامعه.

### اثرات اجتماعی و اقتصادی کار آفرینی

کارآفرینان در اجتماع، سبب پویایی و افزایش بهره‌وری شده و در سطح اجتماع ارزش کار را افزایش می‌دهند و روحیه سعی و تلاش در بدنه جامعه را بالا می‌برند. کارآفرینان سبب تشویق جامعه به کارهای خلاق و کارآفرین می‌شوند و همین امر سبب رشد و بالندگی اجتماع می‌شود. زمانی که کارآفرینی به عنوان یک شیوه زندگی توسط اکثریت افراد یک جامعه پذیرفته شود، آن جامعه بسیار سریع توسعه می‌یابد.

در زیر به برخی از اثرات اجتماعی و اقتصادی کارآفرینی اشاره می‌گردد:

۱. اشتغال زایی:

کارآفرینان پس از ایجاد یک شغل جدید، دست کم به یک یا چند نفر نیاز دارند تا کارهای خود را سامان بخشند.

۲. بهبود کیفیت زندگی، بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آنها برای بهره‌وری ملی:

کارآفرینان پیوسته در حال ابداع و توسعه کالاها و خدمات مورد رضایت و نیاز مردم هستند. از این رو با ابداع محصولات جدید و خدمات مورد نیاز و با استفاده بهینه از منابع مالی مردم در سرمایه‌گذاریها، ضمن بهبود کیفیت، راه را برای ارتقای بهره‌وری ملی هموار می‌کنند.

۳. رفع خلل، شکاف‌ها و تنگناهای بازار و اجتماع:

کارآفرینان قادر به بهره‌گیری از نیروی خلاق، ریسک‌پذیر و تحمل‌ایهام‌بوده و می‌توانند با زیرکی و ظرافت و به سرعت هر چه تمام‌تر تهدیدات و تنگناهای محیطی را تبدیل به فرصت کرده و در شرایط سخت نظیر تورم، کمبود ارز، جنگ و... فرصت‌های جدیدی را کشف و مورد بهره‌برداری قرار دهند.

۴. تعادل در اقتصاد پویا و ترغیب و تشویق در سرمایه‌گذاری همراه با سود اجتماعی.

۵. تحریک و تشویق حسن رقابت.

۶. ایجاد ثروت و توزیع درآمد.

۷. کاهش بوروکراسی اداری.

۸. تحول و تجدید حیات ملی و محلی.

۹. نوآوری و تسهیل ایجاد تغییر.

۱۰. یکپارچگی و ارتباط بازارها (خانی جزئی، ۱۳۸۷، ۱۶).

### نتیجه‌گیری:

همان طوری که در مقاله اشاره شد، ارتباط مستقیمی بین کارآفرینی و اشتغال و خصوصی سازی وجود دارد. وقتی کارآفرینان دست به کارآفرینی می‌زنند در واقع اقدام به یک فعالیت تجاری و اقتصادی می‌زنند و هدف آنها کسب سود و ثروت است. در این میان این فعالیت تجاری، خود نیاز به ایجاد یک واحد تجاری و با تأسیس کسب و کار جدید است و برای چنین کاری باید دولت اجازه ایجاد واحدهای تجاری جدید را بدهد و این میسر نخواهد بود مگر این که به بخش خصوصی توجه ویژه شود تا کارآفرینان با ایده‌های نوآورانه خود دست به ایجاد شغل‌های جدید و واحدهای تجاری در جامعه بزنند. کارآفرینان می‌توانند منشأ آثار ارزشمندی در جامعه داشته باشند که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱. ایجاد اشتغال، رابطه تنگاتنگ کارآفرین و اشتغال به گونه‌ای است که محققان بر این باورند و تجارب کشورهای مختلف

نیز آن را تأیید می‌کند که هر گاه فعالیت‌های کارآفرینی در یک جامعه کند و آهسته شود نرخ بیکاری آن جامعه فزونی خواهد یافت.

۲. کارآفرینی موجب توزیع متناسب درآمدها و کاهش اضطراب های اجتماعی می شوند.
۳. کارآفرینی موجب بهره برداری از منابع و فعال شدن آنها برای توسعه ی کشور می شود.
۴. بهبود کیفیت زندگی، کشف نیازها، ابداع و توسعه کالاها و ایجاد خدمات جدید از جمله ویژگی های کارآفرینان است.

خصوصی سازی به عنوان یک سیاست اقتصادی، بر این عقیده استوار است که مالکیت و کنترل خصوصی از نظر تخصیص منابع نسبت به مالکیت عمومی کارآتر می باشد. در اینجا یک پیش فرض وجود دارد و آن اینکه بنگاه های دولتی و خصوصی ساختارهای انگیزه ای متفاوتی دارند و بنابراین کارایی های متفاوتی نیز از آنها منتج خواهد شد. نظریه آکادمیک سنتی از این قرار بوده که وقتی بخش های دولتی و خصوصی برحسب هزینه های تولید کالاهای مشابه مقایسه شوند، بخش خصوصی عملکرد بهتری نسبت به بخش دولتی خواهد داشت.

کارآفرینی مفهومی است که تاکنون از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و همه بر این باورند که کارآفرینی، موتور محرکه توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد است.

بی شک روند توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه یافته، بیانگر این واقعیت است که اقتصاد تحت تأثیر کارآفرینی است، به گونه ای که کارآفرینان در توسعه اقتصادی کشورهای توسعه یافته، نقش محوری داشته و کشورهای توسعه نیافته اهمیت آن را در توسعه اقتصادی نادیده گرفته اند. شواهدی وجود دارد که نشان می دهد علت توسعه کشورهایی همچون آمریکا و ژاپن و آلمان که از نظر صنعتی توسعه یافته اند، کارآفرینی است.

اشتغال در کشورهای در حال توسعه و پر جمعیت از جمله مسائل مهم و اساسی می باشد که تمام جوانب و ارکان جامعه را تحت پوشش قرار می دهد. تفکر و تعقل در این مقوله و انجام تحقیقات و پژوهش منجر به ارائه راه کارهای اجرائی برای مقابله با این معضل می گردد. کارآفرینان و دانش آموختگان بخش مهمی از بیکاران را شامل می شوند که بعضاً فاقد امکانات و سرمایه کافی برای تحمل ریسک دوران ابتدائی ایجاد اشتغال و خود اشتغالی می باشد. بحث مراکز رشد در دو سه دهه گذشته در کشورهای مختلف از چند زاویه مورد بحث قرار گرفته است. یکی از دیدگاه های توسعه و سرعت بخشی به نوآوری بوده است که منجر به ایجاد یک مجموعه از شرکتهای کوچک و متوسط شده است. شرکتهای کوچک و متوسط مبتنی بر فناوری هستند و این زمینه ای برای کار آفرینی ایجاد کرده و در کنار آن اشتغال نیز به وجود آمده است.

#### منابع

۱. احمد پور داریانی، محمود و عزیزی، محمد؛ «کارآفرینی»، قم: انتشارات محراب قلم، ۱۳۸۶.
۲. احمدی، سید علی اکبر و درویش، حسن؛ (۱۳۸۷)، «مبانی کارآفرینی»، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول.
۳. احمدی مقیم، عباس؛ (۱۳۸۷)، «کارآفرینی»، همدان: انتشارات فراگیر هگمتانه، چاپ دوم.
۴. اسدی، جمشید؛ «مدیران کارآفرین پاسخ دهند»، مجله توسعه و مدیریت، شماره ۶۰، شهریور ۱۳۸۳ صص ۳۶-۳۸.
۵. خانی جزئی، جمال، (۱۳۸۷)، «اصول و مبانی فرهنگ کارآفرینی»، تهران: انتشارات مهرآوش، چاپ اول.
۶. حسن مرادی، نرگس؛ (۱۳۸۵)، «مدیریت کارآفرینی»، کرج: انتشارات مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت وابسته به وزارت نیرو، چاپ اول.
۷. حسینی، شمس الدین و شفیعی، افسانه؛ (۱۳۸۷)، «تعامل دولت و بازار در اقتصاد ایران»، تهران: هفته نامه خبری اقتصاد و دارایی، شماره ۲۳۵، صفحات ۱۴-۸.
۸. رحمانی، حسین؛ (۱۳۸۵)، «جایگاه و تعامل صنعت SME با دانشگاه و نقش آنها در اشتغال زایی و توسعه پایدار»، مجموعه مقالات اولین همایش دانشگاه، صنعت و جامعه، ابهر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، خرداد، چاپ اول.
۹. رنجبریان، رسول، (۱۳۹۱)، «مبانی کارآفرینی (کارآفرینی عمومی)»، ارومیه: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، چاپ دوم.
۱۰. سعیدی کیا، مهدی (۱۳۸۶)، «اصول و مبانی کارآفرینی»، تهران: انتشارات کیا، چاپ ششم.
۱۱. طاهری گودرزی، حجت و حسین، محمدرضا؛ (۱۳۸۰)، «قوانین متغیر رقابت جهانی در قرن بیست و یکم»، تدبیر، شماره ۱۱۲ خرداد ماه، صص ۲۷-۲۲.
۱۲. نجفی، حبیب الله و سعیدی، حسن؛ (۱۳۸۸)، «پیش بینی پیامدهای اقتصادی توزیع سهام عدالت و تأثیر آن بر فرآیند خصوصی سازی در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران افق ۱۴۰۴»، مجموعه مقالات دهمین همایش از سلسله همایش های منطقه ای چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، سنندج: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، ۱۷ اردیبهشت، صص ۷۱-۸۸.
۱۳. هارپر، استفن، سی، (۱۳۸۷)، «مهارت های کاربردی کارآفرینی (راهنمای گام به گام)»، ترجمه: علیرضا حدادیان، تهران: انتشارات مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، چاپ اول.